

مقایسه تطبیقی تصویر فرشتگان
در کتاب آرایه رنسانس با آثار چاپ
سنگی قاجار



عجایب المخلوقات، سلیمان بر
تخت سلطنت، تصویر ساز میرزا
علیقلی خویی، ۱۲۶۴ ه.ق، ماخذ:
مارزلف، ۱۳۸۹: ۲۲۷.



مقایسه تطبیقی تصویر فرشتگان در کتاب آرای رنسانس با آثار چاپ سنگی قاجار*

نغمه صفرزاده** نادر موسوی فاطمی*** بهرام احمدی****

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۸/۵

چکیده

تصویر فرشتگان در دو دوره هنری قاجار و رنسانس دارای ویژگی‌های مشترک و گاه متفاوت است. این مقاله می‌کوشد تا با مقایسه تطبیقی نسخه‌های چاپی برجای مانده از تصاویر فرشتگان، در دو دوره هنری قاجار و رنسانس، به کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های فرشتگان از منظر بصری بپردازد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که تصاویر فرشتگان در نسخ چاپی هر دو دوره هنری گاه، با وجود تفاوت‌هایی مختصر در شیوه اجرا، شباهت‌هایی نیز از نظر نوع ترسیم فرشتگان، پرداخت در جامه‌ها و چهره‌ها، توجه به اصول طبیعت‌گرایی، نشان دادن بعد سوم و همچنین شباهت در حضور فرشتگانی کودک سال و فرجه در نسخ چاپی قاجار و رنسانس با یکدیگر دارند. با وجود مشاهده برخی از تأثیرات نقاشی فرشتگان رنسانسی در نسخه‌های چاپی هنرمندان قاجار می‌توان به علل پیدایش و به تصویر کشیدن فرشتگان در آثار هنرمندان قاجار پرداخت. در این مقاله سعی شده است تا، با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و بررسی نمونه‌های تصاویر چاپی بازمانده، به پاسخ پرسش‌های مطرح شده دست یافته شود.

واژگان کلیدی

رنسانس، قاجار، فرشتگان، چاپ سنگی، کتاب آرای.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارتباط تصویری نغمه صفرزاده، با همین عنوان، به راهنمایی نادر موسوی فاطمی است.
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ارتباط تصویری، مدرس در دانشکده هنر چمران شوشتر، استان خوزستان. (مسئول مکاتبات).

Email: safarzadeh.art@gmail.com

*** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکزی، شهر تهران، استان تهران.

Email: sarzaminebaran@gmail.com

Email: bah_ahmadi@yahoo.com

**** استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه یزد، شهر یزد، استان یزد.

مقدمه

فرشته موضوعی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول داشته، به خصوص در خلق آثار هنری و تجسم بخشی از امور معنوی و غیرشهودی مورد کنکاش قلبی هنرمندان قرار گرفته و در آثار متعددی نیز جلوه نموده است. تصویر فرشتگان، به عنوان مهم ترین مظهر اصل خیر، در آثاری با موضوعات اساطیری، حماسی، مذهبی عامیانه قبل و بعد از اسلام کاربرد فراوان دارند. از جمله آثاری در حوزه های عیدی سازی، کتب چاپ سنگی، سرلوح روزنامه های قاجار را می توان نام برد. حضور فرشته را عموماً در بیشتر نقاشی ها و تصاویر چاپی به دست آمده در داستان هایی می بینیم که معنویت محور اصلی آن بوده است. در این گونه داستان ها شاهد نقوش تصویری بسیاری از فرشتگان متفاوت و رنگارنگ هستیم، فرشتگانی که در دوره قاجار در یک موضوع دینی دچار تغییر و تحول شده اند و گاه بسیار متفاوت از هنر گذشتگان به چشم می آیند، فرشتگانی با وجوهی انسانی و زمینی که در هنر تصویرسازی ایران سابقه ای نداشته و به یکباره ظاهر شده اند. از حالت ملکوت و آسمانی بودن این فرشتگان تا مقدار زیادی کاسته شده است. گویی اینان فرشتگانی هستند که زندگی روزانه خود را در زمین همراه با انسان ها سپری می کنند نه در آسمان ها. می توان به جرئت گفت به تصویر در آمدن این نوع از فرشتگان در دوره قاجار، عوامل گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی را در بر دارد. تصویرسازی فرشتگان کودک سال، تغییر در نوع پوشش و ترسیم نوع بال ها و چهره ها و دیگر تغییرات به وجود آمده در تصاویر چاپی فرشتگان قاجار هنر تصویرسازی فرشتگان را از دیگر دوره های هنری ایران متمایز کرده است. از جمله عوامل تأثیرگذار بر مکتب هنری قاجار و رسوخ این تصاویر از فرشتگان را می توان اوج فرنگی سازی در نقاشی این دوران دانست.

از این رو، پژوهنده در این مقاله سعی دارد به پاسخ پرسش های مطرح شده، از طریق عوامل مؤثر در دو دوره هنری نامبرده، به کشف شباهت ها و تفاوت های موجود در تصویر فرشتگان دست یابد. آنچه در بیان این مبحث سبب ایجاد مسئله گشته، این است که آیا می توان تصویر فرشتگان در نسخ چاپی قاجار را تحت تأثیر نقاشی های رنسانس در اروپا دانست؟ پرسش دیگر این است که آیا حضور برخی از فرشتگان با ظاهری جدید در دوره قاجار را می توان در گذشته هنری ایران ردیابی کرد؟ همچنین این پرسش مطرح می شود که چه ویژگی تصویری مشابه و گاه متفاوت در میان فرشتگان قاجاری و رنسانسی دیده می شود؟

روش تحقیق

این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی و با بهره گرفتن از



تصویر ۱. بخشی از تابلو ونوس، اثر محمد زمان، رنگ روغن بر روی بوم، ۱۰۸۷ ه.ق، ماخذ: www.moareknejad.persianblog.ir

منابع کتابخانه ای و بررسی نمونه های تصاویر فرشتگان چاپی بازمانده از نسخه های قدیمی در هر دو دوره هنری، که جامعه آماری این مقاله را تشکیل می دهد، از طریق کتاب ها و نسخه های قدیمی بازمانده در موزه ها مطالعه تطبیقی را انجام دهد. در این پژوهش مقایسه، تطبیق و تحلیل تصاویر به صورت پژوهشی، با موضوعیتی تازه صورت گرفته است. از این رو در این بررسی شباهت ها و تفاوت های فرشتگان در هر دو مقطع هنری به صورت مختصر شرح داده شده است، چراکه بررسی های تطبیقی در این زمینه می تواند ویژگی های خاص هنر ایران را در مقایسه با سایر هنرها برجسته تر نماید و اهداف تحقیقاتی این پژوهش را بهتر بر آورده سازد.

پیشینه تحقیق

پژوهش ها، کتب و مقالات بسیاری از هنر نقاشی و تصویرسازی ایران در مکاتب مختلف هنری، از جمله هنر قاجار، موجود است. از جمله برجسته ترین کتاب ها در این باره تصویرسازی داستانی در کتاب های چاپ سنگی فارسی نوشته اولریش مارزلف است. مقاله ای با عنوان «فرشته و



عقل، شعور و ادراک می‌دانند که قادر به تصرف و تغییر سریع در امور سخت‌اند و برخی از برخی دیگر در نزد خداوند مقرب‌تر و دارای درجه کامل‌تری هستند، چنان‌که خداوند در قرآن از زبان آنان می‌فرماید: «و ما منّا الا له مقام معلوم» (رازی، ۱۳۷۱: ۲۰۳). از مجموع این اقوال چنین برمی‌آید که غیرمادی بودن، عدم عصیان و وساطت در آفرینش جهان از مهم‌ترین ویژگی‌های فرشتگان هستند. در مجموع، بررسی واژه فرشته در عربی، فارسی، انگلیسی، آرامی و... نشان می‌دهد، با وجود پراکندگی جغرافیایی و فاصله زمانی بسیار این زبان‌ها از یکدیگر، این واژه در همه آنها به معنای فرستاده یا پیام‌رسان است.

جایگاه فرشتگان در دین اسلام

در اسلام نیز فرشتگان به دسته‌ای از مخلوقات اطلاق می‌شود که هر گروه از آنان طبق برنامه و نظمی خاص به انجام وظایف مشغول است. قرآن کریم، علاوه بر معرفی موجودات و نعمت‌های ظاهری و محسوس، از آفریده‌های دیگر خداوند نیز نام برده که ما را یاری درک حسی آنها نیست. واژه ملک در قرآن مجید ۸۸ بار در ۸۶ آیه آمده که در سیزده مورد واژه ملک در دو مورد ملکی و ۷۳ مورد کلمه ملائکه است (رجالی تهرانی، ۱۳۷۶: ۳۰). قرآن کریم و اهل بیت (ع) فرشتگان را چنین معرفی می‌کنند: آنها نزد خدا دارای مقام و منزلت هستند، مراتب و درجات دارند، ماهیت آنها نوری و غیر از ماهیت بشر و جن است. مطیع امر الهی و مجری فرمان اویند. جنسیت (مذکر و مؤنث) و ذریه ندارند، استراحت و خوراک و پوشاک ندارند، تعدادشان بی‌نهایت است، در زمین و آسمان تردد دارند. قرآن با رد اعتقاد به مؤنث بودن فرشتگان آنها را منزّه از جنسیت می‌داند و می‌فرماید: «لم اتخذ مما یخلق بنات و اصفاکم بالبنین» (زخرف: ۱۶). می‌توان از فرشتگان مهم در اسلام میکائیل، جبرئیل، اسرافیل، عزرائیل را نام برد که هر یک از آنها ویژگی و مسئولیت خاص خود را به عهده دارند.

جایگاه فرشتگان در دین مسیحیت

در مسیحیت فرشتگان موجودات خوش‌نهادی هستند که نه تنها به عنوان آشکارکنندگان حقایق الهی عمل می‌کنند بلکه در کمک‌رسانی به انسان‌ها در کسب رستگاری، فیض مخصوص و محبوب وی نیز سود می‌رسانند. انجیل در موارد متعدد و مخصوصاً در ذکر حوادث زندگی حضرت مسیح از فرشتگان سخن می‌گوید و آنها بیشتر اوقات در کتاب مقدس، با نقشی منتقدانه ظاهر می‌شوند، مانند هنگام رویارویی با ابراهیم و لوط (پیدایش ۱۹: ۱۸) یا کشتی گرفتن با یعقوب (پیدایش ۳۳: ۲۴). در مسیحیت برای فرشتگان سلسله‌مراتب خاصی ارائه شده که پاپ دایونیسس ۱ در قرن پنجم به آن پرداخته است. این رده‌بندی براساس سیر نزولی به این قرار است: سرافیم، کروبیان، عرشیان،

دیو در آثار چاپ سنگی قاجار» از طاهر موسوی و محمد خزایی و نیز مقاله «پژوهشی پیرامون تصویر فرشتگان در نقاشی دوران قاجار» از اصغر کفشچیان مقدم و سمیه علیپور بوده است که در تدوین مباحثی از طرح این منابع کمک شایانی در انتخاب مسیر و روش پژوهش راهگشا بوده‌اند.

پس از مطالعه، نقد و بررسی مقالات و پژوهش‌های موجود در این حوزه، مشخص گردید که، بسیاری از منابع موجود به صورت کلی بررسی شده و کمتر با پژوهش‌های نظری، موردی و جزئی در تصویر فرشتگان مواجه هستیم.

کمبود منابع پژوهشی در رابطه با هنر رنسانس به‌ویژه تصاویر چاپی و مطالب مربوط با موضوع تصویر فرشتگان یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهشی در این مقاله بوده است. از این رو پژوهنده خود سعی داشته، تا با مقایسه، تحلیل و بررسی، ویژگی‌های تصویری فرشتگان از نسخه‌های به جا مانده چاپی، در دو دوره هنری قاجار و رنسانس به کشف شباهت‌ها و تفاوت‌ها در ساختار تصویری فرشتگان از منظر نوع فرشتگان به کار رفته در آثار چاپی، نوع حالت و ویژگی پیکره فرشتگان، پرداخته و مورد تحلیل تصویری قرار گیرد.

فرشته در لغت

فرشته (افرشته، فریشته، فرشتک، فرسته) که در زبان کهن ایران سرش و در زبان عربی ملک و هانف نام گرفته است (یا حقی، ۱۳۷۵: ۳۲۲). همچنین معادل انگلیسی آن (Angel) از کلمه یونانی Angelos مشتق شده است (اسدی طوسی، ۱۳۵۶: ۷۳). فرشته موجودی است که امکان بازیابی ملکوت را میسر می‌سازد و در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی فرشته مظهر کمال، لطافت و زیبایی است. فرشتگان در ملکوت آسمانی خداوند به منزله بندگان هستند که اوامر الهی را در زمین اجرا می‌کنند. در آیین زرتشتی کلمه ایزد به فرشتگان اطلاق می‌شود (یا حقی، ۱۳۷۵: ۳۲۲). محمد معین فرشتگان را «موجودات روحانی و آسمانی که به تسبیح خدا و اجرای اوامر او مشغول‌اند و به چشم سر آنها را نتوان دید» معرفی می‌کند (معین، ۱۳۷۴: ۲۵۱۸). علامه طباطبایی می‌نویسد: «ملائکه موجوداتی شریف و مکرم هستند که بین خدای متعال و عالم محسوس واسطه‌اند و هیچ حادثه و واقعه مهم یا غیرمهم نیست، مگر آنکه ملائکه در آن دخالت دارند» (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۷-۱۲). همچنین فلاسفه معتقدند ملائکه جسم نیستند، بلکه عقول مجرد از ماده‌اند و هیچ استقلالی در خلقت ندارند. اطاعت آنان از خدا نیز بدون عصیان و تخلف است. همان‌طور که حواس انسان از نفس او اطاعت می‌کنند و مُدرک اصلی نفس است و حواس، ابزار و ادراک آن هستند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۸، ۱۱۸ و ۱۱۹). متکلمان نیز فرشتگان را اجسام نورانی و دارای



تصویر ۲. عجایب المخلوقات، سلیمان بر تخت سلطنت، تصویر ساز
میرزا علیقلی خویی، ۱۲۶۴ ه.ق، ماخذ: مارزلف، ۱۳۸۹: ۲۲۷.



تصویر ۳. عجایب المخلوقات، تصویر ساز میرزا علیقلی خویی،
۱۲۶۴ ه.ق، ماخذ: همان.

حیطه نسخه‌های چاپی هستیم. برخی این سقوط سریع هنر ایران را نتیجه تأثیر اروپا و گروهی آن را نتیجه نداشتن ابتکار عمل ایرانیان می‌دانند. شاید بهتر است بگویم این دو عامل و عوامل متعدد دیگر سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی از دلایل مهم این رویکرد اجتماعی بوده است (فدوی، ۱۳۸۶: ۸۰-۷۶). ارتباط گسترده با غرب در عهد قاجار و سفرهای مکرر شاهان و درباریان به فرنگ باعث گونه‌ای شیفتگی به فرهنگ غرب شد و رفته‌رفته در دیگر شئون زندگی درباریان رخنه کرد و در نگرش آنها به مقوله زندگی و هنر اثر عمیق کرد. تأثیر کالاهای بازار پسند و ارزان‌بهای صادرات سده ۱۹ از صنایع شیشه‌گری مجارستانی و اشیای لاکه روسی و انگلیسی گرفته تا مجموعه باسمه‌ها و نشریات فرنگی در روند غرب‌گرایی و فرهنگ‌مآبی هنر دوران قاجار شگفت‌انگیز بوده است (نوابی، ۱۳۸۲: ۱۳). همچنین رواج نقاشی‌های سیاحت‌نامه‌های اروپایی با موضوعات عهد قاجاری، و سپس رونق گرفتن صنعت عکاسی، که شاهان

فرشیان، متقیان (عبادت‌پیشگان) صاحبان قدرت، رتسا، فرشتگان بزرگ و فرشتگان. او تعداد فرشتگان بزرگ را به چهار تا هفت عدد می‌رساند که هر کدام کارهای خاصی دارند؛ مشهورترین آنها در مسیحیت قدیم عبارت‌اند از: میخاییل، جبرائیل، رافائیل و اوریل. در میان پارسیان کاتولیک رومی، این اعتقاد که فرشتگان محافظان بچه‌ها هستند بسیار برجسته بوده است و آنها راهنمای ارواح مرده به جهان برتر نیز محسوب می‌شده‌اند. امروزه، به عقیده کلیسای کاتولیک، فرشتگان موجوداتی مجرد از ماده هستند و آفرینش ایشان پیش از آفرینش انسان بوده است. آنها دارای سلسله‌مراتب و محافظ انسان هستند. درود و تحیت و به معنای دیگر پرستش بعضی از فرشتگان در کلیسای مسیحیت رایج است که از آن جمله می‌توان پرستش میکائیل یا فرشته جنگجو را نام برد.

تحولات فرهنگی و هنری در دوره قاجار

دوره قاجار، به لحاظ اوج‌گیری ارتباطات گسترده ایران با سایر ملل، دارای اهمیت ویژه‌ای در هنر ایران است. ورود صنعت چاپ در این دوره تأثیر عمده‌ای بر آثار مکتوب دوره‌های بعد نهاد. در واقع حضور اروپاییان و هنرمندان مغرب زمین در ایران عصر صفوی و شروع فعالیت چاپخانه و چاپ کتاب‌های مصور اروپاییان از مهم‌ترین عوامل تأثیر پذیری هنر ایرانی از هنر اروپایی است. پس از این دوره، شاهد جایگزینی زیبایی‌شناسی اروپایی، آن هم به شیوه نیم‌بند آن، به جای زیبایی‌شناسی مختص هنر اصیل ایرانی هستیم. از جمله به تصویر کشیدن بدن‌های نیمه‌عریان، به شیوه‌ای که در کار اروپاییان فراوان یافت می‌شد، توسط هنرمند ایرانی در این دوره توجه هنرمندان مسلمان دوره صفوی به موضوعاتی را نشان می‌دهد که در دوره‌های قبل یا به هیچ‌وجه یافت نمی‌شد یا بسیار نادر بود. همچنین انتخاب صحنه‌های واقعی و روزمره در نقاشی حادثه‌ای به شمار می‌رود که در آثار دوره‌های قبلی نمونه آن را نمی‌توان یافت. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده تغییر نگرش هنرمندان عصر صفوی و توجه به مسائل روزمره است. تأثیرگذاری تصویرسازی‌های اروپاییان به گونه‌ای شد که برخی از تابلوهای کارشده توسط هنرمندان مطرح از جمله محمد زمان، میر افضل (افضل حسینی)، رضا عباسی، محمدعلی، معین مصور، محمدقاسم، محمدیوسف، و علیقلی جبه‌دار از نظر موضوعی و جنبه تصویری کاملاً برگرفته از کارهای اروپایی بود. در این تصویر می‌توان تقلیدی از اثر رافائل نقاش دوره رنسانس را در اثر محمد زمان در به‌کارگیری نوع پیکره و حالت عریان نمایش دادن بدن فرشته و همچنین ترسیم نوع فرشته را بدون هیچ‌گونه تغییری به راحتی شاهد بود (تصویر ۱). بنابراین، تأثیرات هنر نقاشی صفوی را می‌توان در نقاشی دوره قاجار شاهد بود و از طرفی نیز شاهد رسوخ هنر نقاشی قاجاری در

ایرانی رواج دهد. صنیع‌الملک در صدد بود که از سویی سفارش حاکم وقت را انجام دهد و مراد خودپسندانۀ شاه را برآورد، و از سویی دیگر بر تری و حاکمیت انسان بر طبیعت را که حاصل تفکر انسان‌مدارانه غربی است در قالب هنر ایران به نمایش بگذارد. گرایش به هنر غرب در میان هنرمندان و حامیان هنر قاجار فزونی گرفت و تا آنجا پیش رفت که پس از بازگشت هنرمندی دیگر به نام محمد غفاری ملقب به (کمال‌الملک) از فرنگ و تمایل شاه به روند فرنگی‌سازی، طبیعت‌گرایی غربی سال‌ها بر نقاشی ایران حاکم شد (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۱۴).

تحولات فرهنگی و هنری در دورهٔ رنسانس

نهضت رنسانس از شهرهای شمالی ایتالیا در قرن پانزدهم آغاز شد و در قرن شانزدهم میلادی به اوج شگفتی رسید. واژهٔ رنسانس از زبان فرانسه وام گرفته شده است و به معنای تولد دوباره یا نوزایی است. کسانی که دوران رنسانس را پدید آوردند بر این گمان و باور بودند که عصر آنها با سده‌های میانه هیچ ارتباط و تکی ندارد بلکه به یونان و روم باستان مربوط می‌شود، چرا که به عقیدهٔ آنها بشر تنها در دنیای باستان کارها و موفقیت‌های بزرگ را تجربه می‌کرد. در واقع، رنسانس بر آن بود که با زایش دوبارهٔ فرهنگ یونان و روم امکان موفقیت و پیشرفت‌های سترگ را دوباره فراهم آورد.

از جهت سیاسی، در این عصر پادشاهان و امیران نسبت به دستگاه کلیسا مستقل‌تر شدند به گونه‌ای که در نهضت اصلاح دینی برخی از آنان به‌طور علنی از این جنبش حمایت کردند و در مقابل پاپ و کلیسای کاتولیک ایستادند و سرانجام از کلیسا خارج شدند، امری که در قرون وسطی غیرقابل تصور بود (رندال، ۱۳۷۶: ۱۲۵ و ۱۲۶). در این دوره مردم بیشتر به زندگی حقیقی نزدیک شده و می‌توان گفت بیش از آنکه به زیبایی‌های عالم معنویت پرداخته شود زیبایی‌های زمینی و این جهانی در هنر بازتاب می‌شود. با این وجود موضوعات دینی و تصویرسازی‌های مذهبی و نوع نگاه حاکم بر آنها روزبه‌روز مادی و انسانی‌تر می‌شود و همین تغییر در تصاویر فرشتگان نیز کاملاً مشهود است. فرشته‌هایی که از آغاز دورهٔ رنسانس تا رنسانس پیشرفته در نقاشی‌ها دیده می‌شود به تدریج شکل و شمایل انسانی به خود می‌گیرند فرشتگانی با پوشش سنگین، بدن‌های فربه، بال‌های بزرگ، بدنی عضلانی، با نشان دادن حجم بدن، جنبه سه بعدی اندام فرشتگان، سایه و روشن رنگ‌ها، و خصوصیات انسانی که زیبایی آن‌ها کاملاً زنانه و زمینی است و اغلب از روی مدل‌های واقعی کشیده شده‌اند. ملاحظ به جای ملکوتی بودن در فرشته‌های نقاشان رنسانس دیده می‌شود و زیبایی سیرت فرشتگان از بین می‌رود. علاوه بر این، در دورهٔ میانهٔ رنسانس تحولی در کلیساها به وجود می‌آید، اندام فرشتگان عریان و برهنه می‌شود. فرشته‌های



تصویر ۴. کلکائیل فرشته آسمان پنجم، عجائب المخلوقات، زکریا بن محمد القزوینی، ۱۲۸۳ هـ. ق، ماخذ: موسوی، خزایی، ۱۳۸۹: ۴۲.



تصویر ۵. تصویر یسارو یمین، عجائب المخلوقات، زکریا بن محمد القزوینی، ۱۳۸۳ هـ. ق، ماخذ: همان.

نیمهٔ دوم دورهٔ قاجار بسیار بدان توجه داشتند، در ادامهٔ این مسیر بی‌اثر نبود. هر قدر ارتباط با جهان غرب بیشتر و آسان‌تر می‌شد گرایش به فرنگی‌سازی تقویت و رفته‌رفته به گرایش حاکم بر هنر دوره قاجار تبدیل می‌شد. مثلاً زمانی که میرزا ابوالحسن غفاری، معروف به صنیع‌الملک و از نقاشان برجستهٔ دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه، در موزه‌های فلورانس و رم به رونمایی از آثار هنرمندان عصر رنسانس مشغول بود. پس از بازگشت از سفر رم و فلورانس که برای هنرآموزی و آشنایی با فن چاپ سنگی به ایتالیا فرستاده شد (حدود ۱۲۶۲ ق)، نه تنها نتوانست پیوندی میان هنر غرب و ایران برقرار کند بلکه حتی صورت‌های آرمانی و تک‌چهره‌هایی را که رنگ‌بویی از خیال و سنت در آن‌ها بود کنار زد و سعی کرد با قدرت و ظرافت هرچه بیشتر بازنمایی واقع‌گرایانه را در نقاشی ایرانی باب کند. او، که نماینده و قاصد فرنگی‌مآبی در نقاشی ایرانی است، می‌خواست شبیه‌سازی را در نقاشی



تصویر ۱. سر لوح روزنامه روح القدس، ۱۳۲۵ ه.ق، ماخذ: احتشامی، ۱۳۹۱: ۱۳۷. ق، محل انتشار تهران.

شود، هیچ فرقی با پیکره‌های انسانی زنانه ندارند. پیکره و اندام آنها نازک، ظریف و زنانه است. تصویر ساز از پاکی و ظرافت زنان استفاده کرده و فرشتگان را از این حیث به زنان شباهت داده است. بال‌های این فرشتگان در اندازه‌های مختلف و به اشکال متفاوت از پشت بدن فرشته رویده‌اند. بیشتر این فرشتگان، به جز موارد اندک، تاجی بر سر دارند که نشان از قداست، ارزش و اعتبار آنها در نزد خداوند است. چهره این فرشتگان با چشمانی درشت، ابروانی پهن و گاهی پیوسته، بینی ناز و ظریف، لبانی مینیاتوری و موهای بلند و موج‌دار زیبایی زنانه‌ای دارد. لباس این فرشتگان لباسی فاخر و شاهانه است که در شخصیت‌های انسانی دیده می‌شود از اینرو حضور این نوع از فرشتگان یادآور دو ایزد بالدار و مؤنث آناهیتا، در تاریخ هنر ایران و در نقش برجسته طاق‌بستان ساسانی است (تصویر ۲)

نوع دوم: نوع دیگری از فرشتگان به شکل پرنده‌گان و حیواناتی مانند گاو، اسب، شیر بال دارند، یا پرنده‌گانی هستند که سرانسان دارند. به عبارت دیگر، در آنها دو یا سه گونه جاندار متفاوت با هم تلفیق شده‌اند، حضور جانداران بالدار در آثار چاپی، نشان از توجه هنرمند قاجار به نقش برجسته‌های هخامنشی در ایران باستان دارد (تصویر ۳)

نوع سوم: گروه دیگر فرشتگانی هستند که پیکره انسانی دارند. اعضای بدن آنها با انسان‌ها هیچ تفاوتی نمی‌کند. این فرشتگان تنها فرشتگانی هستند که بال ندارند (تصویر ۴).

نوع چهارم: در این فرشتگان گروه دیگری نیز هستند، که از نظر ارزش در پایین ترین درجه قرار دارند. آن‌ها یا

برهنه تا قبل رنسانس وجود نداشته‌اند. برهنگی شاید عاملی بود برای نشان دادن زیبایی‌های جسمانی انسانی و یا مبتنی بر این اعتقاد که عریان بودن مظهر خلوص و پاکی و بی‌آلایشی در برابر خداوند محسوب می‌شود که هنرمندان رنسانس بسیار بر آن تأکید می‌کردند و به این وسیله انسان محوری و زیبایی‌های مادی و جسمانی آن را تا مرز ملکوت آسمان‌ها به رخ می‌کشیدند. هدف این نقاشان غرور، خودشیفتگی و عدم تواضع هنرمند این دوره در مقابل خداوند است. تناسبات طبیعی اندام فرشتگان با توجه به رده سنی آنها (کودک-بزرگسال) به خوبی در نقاشی‌ها نمایان است. در این دوره حتی چهره‌های الهی نیز به اصول و قواعد (انسانگرایی) رنسانس برمی‌گردند. اما می‌توان گفت که هنوز هم در این دوران محوریت موضوع و سوژه‌ها اغلب نشان دادن موضوعات مذهبی و دینی به جای موضوعات عادی و طبیعی است. از دیگر ویژگی‌های نقاشی‌های مذهبی این دوره می‌توان به بارش نور، پرسپکتیو، نشان دادن حجم سه بعدی، حالت روانی زودگذر، نشان دادن حالت روحی و روانی افراد و... اشاره کرد.

بررسی موضوعی فرشتگان در آثار چاپ سنگی قاجار
فرشتگان در دوره قاجار از جایگاه مهمی در تصاویر چاپی برخوردارند و تقریباً در هر موضوع مذهبی وجود یک تا دو فرشته همواره حضور داشته است. می‌توان گفت فرشتگان در دوران قاجار در موضوعات متنوع‌تری حضور می‌یابند. این موضوعات را در نگاه کلی به سه دسته می‌توان تقسیم نمود: الف) موضوعات ایرانی؛ اسلامی ب) موضوعات مسیحی؛ ج) موضوعات تاریخی.

بررسی موضوعی فرشتگان در آثار چاپی رنسانس
در هنر دوره رنسانس نقوش و تصاویر متعددی را با موضوعیت متفاوت می‌توان در تصاویر فرشتگان مشاهده کرد. حضور فرشتگان در عرصه‌های مختلف اعم از موضوعات دینی، داستانی و حتی بازی‌ها و سرگرمی‌های مختلف آن روزگار اعم از کارت بازی، طالع‌بینی‌های مختلف از جمله مشهورترین آنها طالع‌بینی تاروت که در گذشته بیشتر برای مقاصد سیاسی و نزد پادشاهان و ثروتمندان و مرفهان آن روزگار انجام می‌شده است نشانگر اهمیت وجود فرشتگان در این دوره هنری است. از این‌رو می‌توان فرشتگان دوره رنسانس را به سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: الف) موضوعات دینی و مسیحی؛ ب) موضوعات داستانی و اساطیری؛ ج) موضوعات با محوریت بازی، شانس و طالع‌بینی.

ویژگی تصویری فرشتگان در آثار چاپ سنگی قاجار **نوع اول:** فرشتگانی که اندامی کاملاً انسانی به همراه دو بال دارند، به طوری که اگر بال‌ها از این شخصیت‌ها حذف

درمی آمدند. البته قابل ذکر است که چهره‌های این دسته از فرشتگان کودکسال دیگر شباهتی به فرشتگان ایرانی با چشمان و ابروان پهن و درشت نداشته بلکه چهره‌هایی کاملاً غربی به نظر می‌آیند (تصویر ۶).

نوع هفتم: فرشتگانی هستند جوان، که اغلب جنسیت آنها مرد است. جثه بدنی نسبتاً درشت و تنومندی دارند و همچنین حالت عضلات آنها برجسته است و به‌ظاهر قوی به‌نظر می‌رسند. این‌گونه فرشتگان یادآور مجسمه‌ها و نقاشی‌های رنسانس متری مخصوصاً آثار رافائل و میکل آنژ هستند و به‌وضوح می‌توان حضور روح اساطیر یونان و خدایان باستانی را در آنها مشاهده کرد (تصویر ۸).

نوع هشتم: فرشتگانی کودکسال که عاملی برای تزئین در پس‌زمینه آثار چاپی هستند. این فرشتگان جنبه تزئینی داشته و بیشتر برای آن به‌کار می‌روند که فضاهای خالی اثر را پوشش دهند. این فرشتگان به‌صورت نیم‌تنه ترسیم شده و پایین‌تنه آنها در میان ابرها و یا در آسمان به‌صورت محو و پوشیده شده است و فقط چهره و بال‌های کوچک آنها نمایان است. این فرشتگان همانند فرشتگان کوپید کودکسال برهنه هستند. این فرشتگان اغلب در آسمان‌ها و به تعداد زیاد حضور دارند و شاهد و نظاره‌گر اتفاق و حادثه‌ای هستند که در میانه تصویر و یا وسط کادر اثر رخ داده است و به‌وسیله دستانشان نور مقدس را به شمایل مقدس می‌افشانند (تصویر ۹).

ویژگی تصویری فرشتگان در آثار چاپی رنسانس
نوع اول: فرشتگانی کودک سال (کوپید) و کاملاً برهنه که در اکثر نقاشی‌ها، مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها، و نیز در آثار چاپی این دوران، (به‌فرد در سرلوح کتاب‌ها و یا در حاشیه و اطراف کادر تصویر در کتب) دیده می‌شوند. فرشتگانی کاملاً برهنه، که در هیچ مقطعی از هنر چه در قرون وسطی و چه در بیزنس دیده نشده‌اند. این فرشتگان همان‌طور که قبلاً ذکر شد یادآور کوپید الهه عشق یونان باستان می‌باشند. از خصوصیات ظاهری آنها می‌توان به بدنی فریب و چهره‌هایی اروپایی و همچنین بال‌هایی کوچک و از نوع پرسوزنی اشاره کرد. اغلب این فرشتگان در حال انجام کاری هستند، یکی از فرشتگان شیپوری در دست دارد و در حالت جار زدن و اطلاع‌رسانی است؛ دیگری نیز آلات موسیقی همانند ویلن و طبل در دست خود گرفته است؛ دیگری در حال اشاره کردن به سمت خاصی از تصویر است. دیگری ترازویی در دست دارد و عده دیگری از فرشتگان نیز تاج‌هایی و یا جام‌هایی را در دستان خود نگه‌داشته‌اند و عده‌ای دیگر نیز تیر و کمانی به‌دست دارند. در چاپ‌های کتب رنسانس از این فرشتگان به‌عنوان تزئین در کادر و کتیبه‌های تزئینی اطراف متن



تصویر ۷. سرلوح روزنامه علمی، محل انتشار تهران، ۱۳۹۲ ه.ق، مآخذ: همان: ۱۸۰.

فرشتگانی هستند که از فرمان خداوند سر پیچی کرده‌اند یا فرشتگانی هستند که مسئول عذاب دادن آدمیان در قیامت هستند. بیشتر آنها تاج بر سر ندارند که یکی از نشانه‌های بی‌ارزشی آنها نسبت به گروه اول است. آنها به‌جز دامنی کوتاه، لباس دیگری بر تن ندارند و از این حیث با دیگر فرشتگان بسیار متمایزند (موسوی و خزائی، ۱۳۸۹: ۴۰).

در تصویر ۵ نمونه‌ای از حضور دو فرشته را شاهد هستیم. این دو فرشته ملکی‌ن روی شانه‌های افراد هستند که اعمال خوب و بد آدمی را ثبت می‌کنند. فرشته با تاج و لباس قاجاری فرشته‌ای است که اعمال خوب آدمی را ثبت می‌کند و فرشته‌ای که بیشتر به فرشتگان عذاب شبیه است فرشته سمت چپ است که اعمال بد آدمی را ثبت می‌کند.

نوع پنجم: در دوره قاجار شاهد تصاویر متعدد از فرشتگانی کودکسال هستیم که سالم و تندرست به‌نظر می‌رسند. خصوصیت آنها عریان بودن و داشتن بال‌های کوچک است. اغلب فربه هستند و اندام آنها حجیم و سنگین به‌نظر می‌رسد. خصوصیات این فرشتگان از جمله نشان دادن حجم سه‌بعدی بدن، نشان دادن ماهیچه‌ها و عضلات اندامی است که اغلب در ابتدای ورود تصویرسازی این فرشتگان از پوششی مانند لنگ و پارچه‌ای در قسمت شرمگاه و به‌دور کمرشان استفاده می‌شد. استفاده مکرر این نوع از فرشتگان کودکسال را که ظاهری عریان و فربه داشتند می‌توان یاد آور الهه عشق یونان کوپیدون و نیز الهه پیروزی یونان باستان نیکه دانست (تصویر ۶).

نوع ششم: این دسته از فرشتگان نیز کودکسال بوده و خصوصیات مورد قبلی را دارا هستند با این تفاوت که دیگر پوششی بر تن نداشته و کاملاً عریان به تصویر



تصویر ۸. سرلوح روزنامه صور اسرافیل، ۱۳۴۱ ه. ق.، ماخذ: مارزلف، ۱۳۸۹: ۹۴.



تصویر ۹. معراج نامه، ۱۳۳۸ ه. ق.، ماخذ: همان: ۲۴۱.



تصویر ۱۰. روی جلد کتاب مقدس انجیل، محل نگهداری: موزه کتابشناسی ملی مادرید، ۱۶۴۸ م.، ماخذ:

چاپی بیشتر استفاده می‌شود تا درون تصویرسازی داستانی (مذهبی) و غیره، گاه این نوع از فرشتگان نیز به عنوان پایه‌هایی از ستون‌های تزئینی در حاشیه‌های کتب استفاده می‌شده‌اند. اغلب فرشتگان کوپید به صورت پراکنده در کل ترکیب‌بندی اثر (اعم از نقاشی و اثر چاپی) حضور دارند و بیشتر حضوری بیش از دو فرشته در یک اثر دیده می‌شود. فرشتگان حول و محوریت اثر را پوشش می‌دهند. بنابر این فرشتگان پس از مرکز تصویر و موضوع اصلی (سوژه مورد نظر) در مرتبه دوم ارزشی و پلان‌بندی قرار می‌گیرند چرا که هم در نقاشی (این دوره، که فرشتگان حول مریم مقدس و حول حضرت مسیح، و هم در کتب چاپی این دوران فرشتگان در اطراف و حاشیه‌ها) و گاه در تزئین و پوشش درختان و گیاهان مختلف (تاک) و غیره دیده می‌شوند. بیشتر فرشتگان در تصاویر چاپی کتب رنسانسی حضوری منتشر دارند و در فضا به صورت معلق حضور دارند. این فرشتگان گاه با یکدیگر ارتباط نگاهی برقرار کرده و گاه نیز با دستان خود با یکدیگر به گفت‌وگو می‌پردازند. از نظر ارتباط درونی در اثر باید گفت فرشتگان کودک‌سال جنس ارتباطشان گفتاری و کلامی نیست بلکه ارتباط آنها از نوع بازی و جنب‌وجوشی مستمر و فعال است. این نوع از فرشتگان ظاهری فربه دارند و از سلامت جسمی و روحی برخوردارند. به نظر می‌رسد سرشار از انرژی و حیاتی‌ابدی هستند (تصویر ۱۰).

نوع دوم: فرشتگانی هستند که از هنر بیزانس وام گرفته‌اند. خصوصیات تصویری آنها همانند فرشتگان دوران بیزانس است. بال‌های این نوع از فرشتگان تقریباً بزرگ‌تر از جثه آنها بوده و بیشتر دیده می‌شود که در حالت بازنده قرار دارند، بال‌های این فرشتگان به صورت پرپر کار شده و طراح زمان زیادی برای ترسیم آنها برده است. قدو قامت کشیده و لباس بلند، پوشیده و رداگونه آنها (شبیبه به لباس‌های روم باستان) همراه با مقداری چین و چروک یادآور هنر بیزانس در دوره رنسانس است. احتمالاً میزان کمتر چین و چروک به سبب دشواری چاپ باشد. ناکفته نماند که حضور این نوع از فرشتگان در اوایل رنسانس بسیار بیشتر بوده است اما به مرور زمان شاهد کاهش آنها در آثار تصویری رنسانس هستیم. این نوع از فرشتگان هم در آثار نقاشی و هم در آثار چاپی به وفور یافت می‌شوند (تصویر ۱۱).

نوع سوم: فرشتگانی هستند که شباهت بسیاری به اسطوره‌ها و پهلوانان داستانی و یا گلابیاتورهای روم دارند. جنسیت آنها مذکر است و ظاهری قوی و قدرتمند دارند. البسه آنها رزمی و جنگی شامل لباس‌های رومی است و اکثراً شنل بلندی پوشیده‌اند که از پشت به گردن آنها بسته شده است و گاه نیز سپرها و شمشیرهایی در

دست دارند و یا به کمر خود بسته‌اند. کفش‌هایی به شکل چکمه (تا بالای مچ) به پا دارند. البته گاه پادشاهان زمان خویش را در هیبت فرشتگان به تصویر درمی‌آوردند از تصاویر این نوع از فرشتگان بیشتر در نقاشی‌های این زمان می‌توان مشاهده کرد تا در نسخه‌های چاپی رنسانس (تصویر ۱۲).

بررسی تطبیقی تصویر فرشتگان از منظر حالت

الف. از تشابهات فرشتگان در دو دوره رنسانس و قاجار هاله تقدس و نورانی است که از گذشته بسیار دور در ایران به گرد سر افراد مهم و شمایل‌های مقدس کشیده می‌شد، و در دوره قاجار تنها بر گرد سر ائمه و معصومین (ع) دیده می‌شود. بنا بر این، هاله تقدس در این دوران از گرداگرد سر فرشتگان رخت می‌بندد همان‌گونه که در آثار چاپی کتاب آرای رنسانس شاهد این رویکرد هستیم.

ب. دیگر تشابه چهره فرشتگان در دو هنر ذکر شده آن است که در تصاویر فرشتگان چاپ سنگی قاجار فرشتگان همواره با ظاهر و چهره‌ای یکسان و مشابه به هم به تصویر درآمده‌اند. فرشتگان، اعم از زن و مرد، چهره‌هایی گرد با چشمانی درشت و کشیده و ابروان به هم پیوسته دارند و نگاهشان به موضوع و سوژه مورد نظر (امامان و شمایل‌های ایشان) خیره مانده است، درست همانند فرشتگان در دوره رنسانس که همواره چهره‌ای گرد و چشمانی نسبتاً درشت و بینی و لبانی باریک و کوچک دارند با گیسوانی که غالباً از فرق وسط به صورت موج دار بر روی پیشانی دیده می‌شوند و نگاه‌هایی خیره و مبهوت به (موضوع مورد نظر) دارند.

بررسی تطبیقی تصویر فرشتگان از منظر ترکیب‌بندی

الف. از اشتراکات تصویر فرشتگان می‌توان به شباهت در ترکیب بندی‌های به کار رفته در آثار اشاره کرد. تصاویر فرشتگان در دوره قاجار با ترکیب بندی‌های متنوعی دیده می‌شوند. در این دوران فرشتگان به صورت انفرادی و جمعی به تناسب و مر تبط با موضوع در کادر چیده شده‌اند، البته در مواردی نیز فرشتگان به صورت عنصری تزئینی و برای تقسیم بندی، آرایش و پر کردن پس زمینه در آثار دیده می‌شوند. استفاده از فرشتگان در نقوش تزئینی و تقسیم کادر و پر نمودن فضا به خصوص همراه آمدن آنها در سر لوحه‌های کتاب‌ها و یا سر لوحه روزنامه‌ها که اکثراً به شیوه معکوس و یا، وارانه (تقارن) بر دو سر سرلوح قرار گرفته‌اند بسیار در نسخه‌های چاپی به کار رفته است. البته این کاربردهای تازه را نیز می‌توان کم و بیش از تأثیرات هنر غرب به ویژه هنر رنسانس در شیوه نگارش به فرشتگان دانست که در هنر ایرانی نیز راه یافته بود. بیشترین حالت پیکره فرشتگان در این دوره حالت پرواز و معلق بودن در آسمان و یا بالای کادر است تا بر روی



تصویر ۱۱. نسخه چاپی بشارت جبرئیل به مریم مقدس، دوره رنسانس، ۱۵۰۱ م. محل نگهداری موزه ونیز، ماخذ: همان.



تصویر ۱۲. بخشی از نسخه چاپی یک کتاب در رنسانس، ۱۵۱۰ م.



تصویر ۱۳. بخشی از کتاب حبیب الاوصاف، ۱۳۰۸ ه. م. تصویرگر مصطفی، ماخذ: مارزلف، ۱۳۸۹: ۱۷۹.



تصویر ۱۴. بخشی از جلد کتاب مارتین لوتر، دوره رنسانس، ۱۵۲۵، مأخذ: همان.

قابل رویت است. به عنوان مثال در اغلب نگاره‌های پیش از قاجار، هر فرشته‌ای وظیفه‌ای به عهده دارد و هر یک کار منصوب به خویش را انجام می‌دهد: یکی از فرشتگان وظیفه حمل آتش و هاله آتشین را برعهده دارد، دیگری تاجی را در دست خود دارد، دیگری هم اسفنددانی به دست آویزان کرده و حمل می‌کند؛ دیگری راهنمای مسیر پیامبر (ص) است و با دستان خود به جهتی اشاره می‌کند. دیگری سینی میوه‌ای را به حضرت تعارف می‌کند (که نشان از سیب میوه بهشتی است). حتی دیده می‌شود که فرشته‌ای دسته گلی به دست می‌گیرد. اما وجود عناصری چون تصویری کمان و تیر، ترازوی عدالت، شاخه انگور و آلات موسیقی همانند شیپور و بوق از هنر غرب و رنسانس وارد تصاویر چاپی این دوره (قاجار) شده است چرا که خصوصیات فرشتگان در رنسانس این عناصر را در بر دارند.

ب. از تفاوت‌های عمده دیگر در بین فرشتگان دو دوره قاجار و رنسانس می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد که در تصاویر چاپی فرشتگان رنسانسی هیچ‌گونه ارتباطی (تبادل عنصری خاص) بین فرشتگان با مسیح مقدس و یا مریم مجدلیه وجود ندارد. فرشتگان حضور دارند، اما رابطه‌ای به صورت مستقیم بین آنها و سوژه اصلی دیده نمی‌شود. فرشتگان تنها حضوری دینی و مذهبی از خود نشان می‌دهند، در صورتی که فرشتگان در هنر دوره قاجار همواره همانند نگارگری‌های پیش از خود (دوران صفوی) ارتباطی هرچند اندک با موضوع و شخصیت اصلی داستان دارند حتی با کوچکترین بهانه همانند تعارف کردن سینی میوه یا شاخه‌ای انگور و یا گرفتن فانوسی بر راه پیغمبر (ص).

بررسی تطبیقی تصویر فرشتگان از منظر جنسیت

الف. از دیگر تشابهات تصاویر فرشتگان در دو دوره هنری می‌توان به جنسیت فرشتگان اشاره کرد چرا که بیشتر فرشتگان در تصاویر کتب چاپ سنگی قاجار اغلب شامل هر دو جنس مذکر و مؤنث‌اند. فرشتگان مؤنث گویی هنوز

زمین ایستادن، درست همانند هنر رنسانس فرشتگان در بیشتر موارد به صورت جمعی در بالای کادر تصویر تجمع نموده‌اند و شاهد اتفاقی که در حال وقوع است می‌باشند، در مواردی بسیار نیز فرشتگان دوره قاجار، معلق، ظرف‌هایی از نور در دست دارند که بر صحنه می‌افشانند. که البته باید اشاره کرد که، این صحنه بیشتر در نقاشی‌های این دوران اتفاق افتاده است.

ب. از تفاوت تصویر فرشتگان در دو هنر ذکر شده این است که، نور در ترکیب بندی‌های به کار رفته در تصاویر فرشتگان قاجار، منبع مشخص و متمرکزی نداشته و در تمام سطح تصویر به صورت یکنواخت صحنه تصویر را روشن می‌سازد، در موارد بسیاری مشاهده می‌شود که سایه‌ها و هاشورهای به کار رفته در تصاویر به صورت دو رگیری شده خطوط محیطی پیکرها را در بر می‌گیرد. و اغلباً به صورت هاشورهایی با خطوط ظریف که تعدد آنها باعث تیرگی دور پیکره با پس زمینه شده است سایه‌هایی را تشکیل می‌دهند، بنابر این در هیچ‌گونه از تصاویر فرشتگان سایه پیکره فرشته بر روی زمین (پس زمینه) نقش نبسته است زیرا منبع نوری وجود ندارد که بخواهد سایه‌ای با زاویه خاص در تصویر به وجود آورد. از این نظر می‌توان این گرایش و این حفظ اصول را ادامه دستاوردهای هنر نگارگری اصیل ایرانی دانست. چرا که در هیچ یک از تصاویر به طور طبیعت نگارانه، جنبه تابش طبیعی نور رعایت نشده است. اما درست برعکس آن، در هنر چاپی رنسانس شاهد وجود سایه پردازی به صورت کاملاً واقع گرایانه هستیم چرا که تصاویر فرشتگان و جامه‌های آنان و حتی سایه فرشتگان بر روی پس زمینه تصویر، کاملاً به وضوح به صورت بسیار طبیعی و با اصول دقیق نور پردازی در تصویر توسط هنر مند وبا آگاهی کامل به تصویر در آمده است. این ویژگی‌ها را می‌توان در کلیه تصاویر فرشتگان در هر دو مقطع هنری مشاهده کرد.

ج. از دیگر شباهت‌های فرشتگان در دو دوره هنری می‌توان به شباهت تصویری فرشتگان از نظر نحوه استفاده از پیکره اشاره کرد: برخی از فرشتگان آثار چاپی دارای نیم‌تنه بالایی بوده و نیم‌تنه پایینی آنها در میان انبوه ابرها و یا در آسمان به صورت محو پوشیده شده است. ساده‌سازی پیکره فرشتگان، داشتن سر و دو بال، که در هنر مسیحی نشانگر کروبیان می‌باشد، حضور این نوع از فرشتگان در آثار چاپی این دوران نشانگر حضور بیشتر نفوذ هنر غرب بر هنر ایرانی است.

بررسی تطبیقی تصویر فرشتگان به لحاظ حالت پیکره

الف. از دیگر شباهت‌ها شخصیت پردازی فرشتگان است. حالت فرشتگان، که در نقاشی غرب از رنسانس متداول بوده است، در دوران قاجار نیز به خوبی در نقش فرشتگان



می‌توان به این نکته اشاره کرد که در نقاشی فرشتگان رنسانس گاه وجود انسان‌های زمینی (مانند اشخاصی بارز و مشهور مانند پادشاهان و امپراتوران و شاهزادگانی با جوهری فرشته‌مانند و گاه نیز الهه‌ها و پهلوانان اساطیری و یا گلابیاتورها با تصویری فرشته‌گونه و با عنصر بال را می‌توان مشاهده کرد در صورتی که این موضوع را در هیچ یک از تصاویر چاپی دوره قاجار نمی‌توان یافت.

بالغ نشده‌اند و معصومیتی خاص در چهره دارند، فرشتگانی که قداست و پاکدامنی آنها تصاویر مذهبی را از بار معنوی دو چندان می‌کنند. فرشتگان مذکر کودک‌سال هستند، البته در موارد اندکی نیز فرشتگان کودک‌سال به‌ظاهر مؤنث هم به کار رفته‌اند. در هنر رنسانس نیز بیشترین تصاویر فرشتگان را دختران نابالغ و معصوم و همچنین فرشتگانی کودک‌سال و عریان از جنس مذکر در بر می‌گیرند. ب. از تفاوت‌های بین فرشتگان در دوران قاجار و رنسانس

نتیجه

چگونگی تصویرسازی فرشته‌ها در واقع ناشی از جهان‌بینی، برداشت‌ها، باورها، و یا اعتقادات هنرمند و نقاش است. هر جا که نگاه هنرمند به سوی خداوند و ملکوت آسمان‌ها گرایش داشته و تلاش او در تجلی زیبایی الهی باشد تصاویر فرشته‌ها به عالم ملکوت و حقیقت وجودی‌شان نزدیک‌تر شده است، همانند هنر تصویرگری ایران، که همیشه این ویژگی را دارا بوده است و جز حقیقت و ذات ملکوت در آن چیزی نمی‌توان یافت. آنجا که هنرمند (همانند هنرمند دوره رنسانس) تنها خودش را می‌بیند و خود را محور جهان آفرینش فرض می‌کند مقام ملکوتی فرشته‌ها نیز به جایگاه زمینی انسان‌ها نزدیک می‌شود.

می‌توان وجه اشتراک این دو دوره را مذهبی بودن آن دانست زیرا باورها و عقاید مذهبی و داشتن کتب آسمانی و یکتاپرستی در دوره‌های مذکور و همچنین داشتن باورهای مشترک به وحدانیت خداوند ریشه در اشتراک مذهبی و هنری دارد. با وجود این، اکثر نقوش فرشتگان حول محوریت داستان‌های مذهبی است. داستان‌هایی با فرشتگانی همسان در هر دو دین یعنی اسلام و مسیحیت فرشتگانی مانند جبرئیل، میکائیل، عزرائیل وجود دارد. این اشتراکات در هنر نیز نمود یافته‌اند. دوره قاجار به لحاظ اوج‌گیری ارتباطات گسترده ایران با سایر ملل دارای اهمیت ویژه‌ای در هنر ایران است. با رواج تفکر انسان‌گرایی در رنسانس و نفوذ این نوع نگرش در هنر نقاشی و دیگر هنرهای رنسانس در اروپا، و به دنبال آن جریان هنری، فرنگی‌سازی از اواخر دوران صفوی و تأثیرگذاری تصویرسازی‌های اروپاییان به گونه‌ای شد که برخی از تابلوهای کارشده توسط هنرمندان مطرح از جمله محمد زمان میرافضل، رضا عباسی، و معین مصور از نظر موضوعی و جنبه تصویری کاملاً برگرفته از کارهای اروپایی بود. همچنین حضور اروپاییان و هنرمندان مغرب زمین در ایران عصر صفوی و شروع فعالیت چاپخانه و چاپ کتاب‌های مصور اروپاییان را می‌توان از دیگر عوامل تأثیرپذیری هنر ایرانی از هنر اروپایی قلمداد کرد. از این رو، در اواخر دوره صفوی و با شروع دوران قاجار به وضوح شاهد اوج گرفتن، تغییر بینش و نگرش هنر مندان هستیم که خواه یا ناخواه توانسته‌اند بر هنر نوپای چاپ تأثیری شگرف بگذارند، چرا که رد تأثیرات نقاشی اواخر صفوی را می‌توان در تصویرسازی‌های فرشتگان چاپی آثار قاجار به راحتی دنبال کرد. وجود فرشتگانی کودک‌سال و کاملاً عریان، که تا پیش از آن دوران در هیچ‌گونه از نگارگری‌های ایرانی مشاهده نشده بود، در آثار نقاشان اواخر صفوی و پس از آن نیز در نقاشی‌ها و آثار چاپی قاجار ظاهر شد. توجه به اصول طبیعت‌گرایانه، و نشان دادن بعد سوم و استفاده از پرسپکتیو تک‌نقطه‌ای در برخی از تصویرسازی‌های چاپی قاجار و تصویرسازی فرشتگانی عریان و فربه با ظاهر کودک‌سال که مظهری از الهه عشق (کوپیدون و نیکه الهه پیروزی یونان باستان) بوده و همچنین تغییر پوشش در جامه فرشتگان و نحوه قرارگیری آنها در ترکیب‌بندی‌ها و سرلوح‌ها و کاربرد تصویر فرشتگان در حاشیه‌ها و تزیینی قلمداد کردن آنها، تنها تعدادی است که نشان از بروز هنری است که نقاش قاجار، مانند صنیع‌الملک به رونمایی از آثار هنرمندان عصر

جدول ۱. مقایسه تطبیقی برخی از تصاویر چاپی فرشتگان در دوره قاجار و رنسانس

تشابه و تفاوت در نقاشی فرشتگان قاجار و رنسانس	تصاویر فرشتگان چاپی رنسانس	تصاویر فرشتگان چاپی قاجار	ویژگی بصری فرشتگان
<p>- تشابه در ظاهر فرشتگان کودک سال از جمله آرایش گیسوان، چهره‌ای گرد با لبان و بینی کوچک و کاملاً مشابه به هم.</p> <p>- مشابهت در پیکره فربه و عریان فرشتگان کودک.</p> <p>- نوع نگاه‌های خیره به موضوع که اکثراً در جهت مرکز تصویر دیده می‌شوند.</p> <p>- تشابه در چهره‌های آرام و ساکن، در فرشتگان هر دو مقطع هنری.</p> <p>- شباهت در ترسیم بال به‌صورت واقع‌گرا در دو مقطع هنری.</p> <p>- وجود جنب‌وجوش، نوع پویایی فرشتگان کودک و ارتباط چشمی و نیز نوع حرکت دستان این نوع از فرشتگان در هر دو دوره هنری قابل مشاهده است.</p> <p>- در هر دو مقطع هنری، گاه فرشتگان به‌صورت نیمه کشیده شده‌اند، داشتن سر و دو بال که نشان کروبیان است. همچنین نیمه‌تنه پایین آنها در زیر ابرها پنهان گشته است.</p> <p>- تفاوت عمده در نوع ترسیم پیکره فرشتگان کودک در قاجار این است که در بیشتر فرشتگان نوع کودک پوشش و پارچه‌ای لنگه‌مانند در قسمت پایین پیکره وجود دارد.</p>	 <p>مأخذ: www.metmuseum.org</p>  <p>مأخذ: www.metmuseum.org</p>  <p>مأخذ: www.jaxonpeterson.com</p>  <p>مأخذ: www.metmuseum.org</p>	 <p>مأخذ: احتشامی، ۱۳۹۱: ۱۹۵.</p>  <p>مأخذ: احتشامی، ۱۳۹۱: ۱۹۷.</p>  <p>مأخذ: www.metmuseum.org</p> 	<p>حالت و نوع فرشتگان (چهره، پیکره، جامه و نوع تزیینات)</p>
<p>- تشابه در پر کردن زمینه و محدوده اثر چاپی با استفاده از فرشتگان همانند متعدد.</p> <p>- استفاده از نقش فرشتگان به‌صورت متقارن در سرلوح کتب و عناوین روزنامه‌ها.</p> <p>- تشابه در معلق ماندن فرشتگان در بالای کادر اثر و در آسمان.</p> <p>- تزیینی قلمداد کردن فرشتگان کودک و استفاده مکرر از آنها در حاشیه‌های تزیینی.</p> <p>- تجمع در بالای کادر اثر.</p> <p>- قرارگیری فرشتگان گرداگرد و اطراف موضوع مورد نظر.</p> <p>- تفاوت در منبع نور و نوع هاشورزنی آثار چاپی قاجار و رنسانس، سایه‌ها در نسخه‌های چاپی قاجار به‌صورت دقیق و منظم ترسیم نشده‌اند و نور منتشر در کل اثر دیده می‌شود (در نسخه‌های رنسانس منبع نور مشخص و هاشورزنی تصاویر فرشتگان دقیق انجام گرفته است).</p>	 <p>مأخذ: www.kbender.blogspot.com</p>  <p>مأخذ: www.loc.com</p>  <p>مأخذ: احتشامی، ۱۳۹۱: ۱۶۲.</p>	 <p>مأخذ: مارزلف، ۱۳۸۹: ۲۵۷.</p>  <p>مأخذ: مارزلف، ۱۳۸۹: ۲۵۷.</p>  <p>مأخذ: احتشامی، ۱۳۹۱: ۳۴.</p>	<p>ترکیب‌بندی (محل قرارگیری فرشتگان در نسخه‌های چاپی)</p>
<p>تشابه در حضور فرشتگان کودک سال مؤنث و مذکر در دو مقطع هنری.</p> <p>- تشابه در نوع فرشتگان مذکر و جوان با پوشش رومیان باستان.</p> <p>- تفاوت در حضور فرشتگان، در برخی از تصاویر رنسانس گاه فرشتگان با انسان‌های زمینی پیوند خورده‌اند، به تصویر کشیدن امپراطوران و پهلوانان اساطیری و گلابیاتورها با تصویری فرشته‌گون را می‌توان در برخی نسخه‌های چاپی رنسانس مشاهده کرد.</p>	 <p>مأخذ: www.etmuseum.org</p>  <p>مأخذ: مارزلف، ۱۳۸۹: ۹۴.</p>	 <p>مأخذ: مارزلف، ۱۳۸۹: ۹۴.</p>  <p>مأخذ: www.faragard.ersianblog.ir</p>	<p>جنسیت فرشتگان (مؤنث، مذکر)</p>



رسانس در موزه‌های فلورانس و رم پرداخته است. اگرچه حضور فرشتگان در آثار چاپی دوران قاجار تأثیرات گوناگونی از منظر محتوایی و ساختاری از هنر غرب را انعکاس می‌دهد اما این تأثیرات موجب نمی‌گردد تا هنرمندان میراث سنن پیش از تأثیرات رسانس را یکسره از یاد ببرند، ایجاد منبع نور منتشر در کل اثر و رعایت نکردن کامل اصول سایه‌پردازی، استفاده از ژرف‌نمایی مقامی، به کار بستن فرشتگان در حال انجام کار، استفاده از جانداران بالدار، به‌عنوان نوعی از فرشتگان در قاجار یادآور هنر گذشتگان از دوران هخامنشیان و ساسانیان در ایران است.

منابع و مأخذ

- احتشامی، محسن. ۱۳۹۱. *لوگوهای مطبوعات دوره قاجار*. تهران: ناشر مؤلف.
- اسدی طوسی، ابو نصر. ۱۳۵۶. *لغت‌نامه فرس*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تاجبخش، احمد. ۱۳۸۲. *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران دوره قاجاریه*. شیراز: نوید.
- رجالی‌تهرانی، علیرضا. ۱۳۷۸. *فرشتگان*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- رنال، هرمن. ۱۳۷۶. *سیر تکامل عقل نوین*، ج ۱. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.
- صدرالدین شیرازی، محمد. ۱۹۸۱. *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۶. *تفسیر المیزان*. تهران: امیرکبیر.
- فدوی، محمد. ۱۳۸۶. *تصویرسازی در عصر صفوی و قاجار*. تهران: دانشگاه.
- مارزلف، اولریش. ۱۳۸۹. *تصویرسازی داستانی در کتاب‌های چاپ سنگی فارسی*. تهران: نظر.
- معین، محمد. ۱۳۷۴. *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- موسوی، طاهر و خزائی، محمد. ۱۳۸۹. «فرشته و دیو در آثار چاپ سنگی قاجار»، *کتاب ماه هنر*، ۳۵: ۴۳-۴۰.
- نوابی، سعید. ۱۳۸۲. *مرقع اصناف عهد قاجار*. تهران: پروین.
- یاحقی، محمدجعفر. ۱۳۷۵. *فرهنگ اساطیر*. تهران: سروش.

A Comparative Study of the Portrayal of Angels in Renaissance Art of the Book and the Qajar lithographed Works

Naghmeh Safarzadeh, MA in Visual Communication, College of Art, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

Nader Mousavi Fatemi, Faculty Member of College of Art, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Bahram Ahmadi, Assistant Professor, College of Art, Yazd University, Yazd, Iran.

Received: 2015/2/28 Accepted: 2015/7/4



Pictures of angels in Qajar and Renaissance art periods have common and sometimes different properties. This paper attempts to discover visual similarities and differences of angels pictures through a comparative study of the remaining lithographed manuscripts with pictures of angels from Qajar and Renaissance periods. The results indicate that angels pictures in lithographed manuscripts from both the Qajar and Renaissance periods, despite the slight differences in techniques, have some similarities in terms of the way the angels are drawn, their dresses and faces, following the principles of naturalism, depiction of the third dimension and similar plump infant angels. Observing part of the influences of the angels in Renaissance paintings on the Qajar lithographed manuscripts, one can study the causes for the appearance and portrayal of angels in works of the Qajar artisans. This paper attempts to answer the raised questions using comparative-analytical method, library sources and the study of the remaining lithographed pictures.

Keywords: Renaissance, Qajar, Angels, lithography, Art of the Book.